
مبانی و مفاهیم موسیقی





مؤلف:


محمدصادق (آرتان) جلالی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	فصل اول: موسیقی، مشخصه و نشانه‌ها
۱۳	موسیقی
۱۳	ریشه واژه موسیقی و خنیا
۱۳	تعریف گذشتگان از موسیقی
۱۴	زیبایی‌شناسی در باب موسیقی
۱۴	تاریخ زیبایی‌شناسی و موسیقی
۱۵	مشخصه‌های صوت از نظر موسیقی
۱۵	نواک
۱۵	دیرند
۱۵	شدت
۱۵	شیوش
۱۶	نشانه‌های اولیه موسیقی
۱۶	خط موسیقی
۱۶	نام‌نت‌ها
۱۸	نظام الفبایی
۱۸	حامل
۲۰	کاربرد حامل‌های گوناگون
۲۳	کلید
۲۴	کلیدهای سه گانه

۲۶	خطوط تکمیلی یا اضافه
۲۶	شکل نت‌ها
۲۸	نام شکل نت‌ها به زبان‌های مختلف
۲۹	شکل‌های نت‌نویسی در گذشته
۳۰	نقطه و نقش آن در موسیقی
۳۱	خط اتحاد و اتصال
۳۲	سکوت
۳۳	فصل دوم: فرم تأکید و مفهوم فاصله در موسیقی
۳۵	تأکید
۳۵	میزان
۳۶	انواع میزان
۳۶	میزان‌های ترکیبی
۳۶	کسر میزان
۳۷	میزان‌های ترکیبی
۳۸	وزن
۳۸	وزن خوانی در موسیقی
۳۹	سنگوب
۳۹	ضد ضرب
۳۹	فاصله در موسیقی
۴۰	بنیه‌های فاصله
۴۱	فاصله‌های سه بنیه‌ای
۴۱	فاصله‌های چهار بنیه‌ای
۴۳	بنیه‌های دیگر در موسیقی
۴۳	پرده و نیم پرده در موسیقی
۴۳	نشانه‌های تغییر دهنده در موسیقی
۴۴	دیز (#, Diese)
۴۴	دوبل بمل (bb, Double Bemol)
۴۵	بکار (Becarre) 
۴۵	سری (Sori, #) کرن (Koron, )
۴۷	فصل سوم: درک و انواع نام در موسیقی

۴۹	مفهوم واژه گام در موسیقی
۴۹	تقسیم‌بندی موسیقی
۴۹	کواتو تونیک
۵۰	استریم تونیک
۵۰	گام کروماتیک
۵۱	گام دیاتونیک
۵۱	گام دیاتونیک بزرگ
۵۲	انواع نیم پرده‌ها
۵۲	نیم پرده کروماتیک (Chromatique)
۵۳	گام پنتاتونیک
۵۴	گام مینور پنتاتونیک
۵۵	درجه‌های گام در موسیقی
۵۶	گام‌هایی دیگر در موسیقی
۵۶	گام تمام پرده
۵۶	گام تمام نیم پرده
۵۷	گام انتقال محدود
۵۷	گام طبیعی
۵۷	گام پنتاتونیک
۵۷	گام کوئی
۵۸	گروه گام‌های طبیعی
۵۸	گروه گام‌های مصنوعی
۵۹	فصل چهارم: آداب نت‌نویسی و شناخت مدهای کلیسایی
۶۱	صحیح‌نویسی خط موسیقی
۶۱	نوشتن کلید سل
۶۲	شکل نت‌ها
۶۲	چنگک دم (در نت‌های تک چنگ)
۶۳	شکل سکوت‌ها
۶۳	محل نقطه افزاینده و دیرند
۶۳	خطوط اتحاد و اتصال
۶۴	خطوط تکمیلی

- ۶۴ سوی دمها
- ۶۵ نتها و آهنگ‌های همزمان
- ۶۶ ثبت دیرندهای گوناگون
- ۶۶ سکوت در میزان‌های ترکیبی
- ۶۷ مدها
- ۶۷ مدهای کلیسا
- ۶۹ موسیقی قرون وسطا
- ۶۹ مدها، اساس موسیقی کلیسایی
- ۷۲ نشانه‌های تغییر دهنده در مذ اصلی
- ۷۵ فصل پنجم: تکمیل و شناخت نشانه‌های موسیقی
- ۷۷ نشانه‌های درون خطوط حامل
- ۷۷ آچیاکاتورا (Acciacatura) 
- ۷۸ موردنت (Mordent) 
- ۷۸ موردنت وارونه 
- ۷۸ آپوجیاتورا (Appoggiatura) 
- ۷۹ گروپتو (Gruppetto) 
- ۸۰ گروپتو وارونه
- ۸۱ تریل یا تری (Trill) (tr) به انگلیسی (shake)
- ۸۲ پایان تریل
- ۸۳ شماره تناوب‌ها
- ۸۴ نت‌های آرپژوار قبل از آکورد
- ۸۴ نشانه‌های فرمال
- ۸۴ دولا خط تکرار
- ۸۵ داکاپو (Dacapo) (DC)
- ۸۵ دال سینو (Dal Segno) (D.S)
- ۸۶ تکرارهای دیگر
- ۸۷ سکوت‌های بلندتر از یک میزان
- ۸۷ نشانه‌های بیرون از خطوط حامل

۸۸ نقطه توقف ()
۸۸ نقطه
۸۸ نقطه دراز یا نقطه میخی ()
۸۹ مترو استاکاتو
۸۹ نشانه‌های تأکید
۸۹ موارد کاربرد خط اتصال
۹۱ نشانه‌های تدریجی
۹۱ نشانه‌های واژه وار موسیقی (نشانه‌های تشکیل شده از واژه)
۹۲ واژه‌هایی برای مشخص کردن شدت و ضعف صدا
۹۲ واژه‌هایی برای تغییر سرعت اجرا (تحت عنوان Agogic)
۹۳ نشانه‌های حالت اجرا (اصطلاح‌های رایج)
۹۵ فصل ششم: علم هارمونی و اصطلاحات کلیدی موسیقی
۹۷ هارمونی و مفهوم آن
۹۷ بخش‌های مختلف در علم هارمونی
۹۸ بخش نظری به دو روش چند بخشی
۹۹ توضیح مختصری از مفاهیم و اصطلاحات مهم در موسیقی
۹۹ آرپژ (Arpege)
۹۹ ارکستراسیون (Orchestration)
۹۹ بافت موسیقایی (Musical texture)
۱۰۰ پاساژ (Passage)
۱۰۰ تم (Theme [subjeect, subje])
۱۰۰ تمپو (Tempo)
۱۰۰ دیاپازون (Diapason)
۱۰۰ ریتم (Rhythm)
۱۰۱ سازبندی (Orchestration)
۱۰۱ فرم (Form)
۱۰۲ مترونوم (Metronome)
۱۰۲ ملودی (Melodie- Melody)
۱۰۲ وسعت و میدان صدا

موسیقی

موسیقی یا موزیک (Musique) که به آن خنیا هم گفته می‌شود، یکی از کوشش‌های هنرمندانه است که پایه تشکیل دهنده آن صدا و سکوت است. اجزاء اصلی تشکیل دهنده موسیقی شامل نواک «مشخص کننده ملودی و هارمونی» و ریتم است.

□ ریشه واژه موسیقی و خنیا

خنیا از ریشه خونیاک در زبان پارسی میانه و هونواک و زبان اوستایی است که خود از دو بخش تشکیل شده است؛ (هو) به معنی نیک و زیبا و نواک به معنای نوا. در کل هونواک و خونیاک و خنیا به معنای نوا یا خوش است.

موسیقی به هنر بیان احساسات به وسیله آواها معروف است که در آن مهمترین عوامل صدا و ریتم هستند و علم ادغام صداها به شکلی که زیبا به گوش برسد و سبب تازگی و انقلاب روح گردد نیز نامیده می‌شود.

□ تعریف گذشتگان از موسیقی

گذشتگان موسیقی بدین شکل تعریف کرده اند:

معرفت الحان و آنچه التیام الحان به آن بود و بدان کامل شود.

ارسطو دانشمند یونانی موسیقی را یکی از زیرمجموعه‌ای علم ریاضی دانسته است و فیلسوفان

دین اسلام نیز این نظریه را قبول کرده‌اند. همانند ابن سینا که در قسمت ریاضی در کتاب شفا از موسیقی نام برده است اما به دلیل اینکه همه ویژگی‌های موسیقی مانند علم ریاضی مسلم و غیرقابل تغییر نیست، بلکه به سلیقه و حال و هوای سازنده موسیقی و یا نوازنده آن بر می‌گردد و در این حالات روحی کاملاً دخالت تام دارد که آن را به هنر نیز تعریف می‌کند. در حال حاضر موسیقی امروزی علم و هنری وسیع است که دارای قسمت‌ها و تخصص‌های مختلف است. صداها و نواها در صورتی موسیقی نامیده می‌شود که وصلی بین اذهان ایجاد کند و هیچ مرزی آن را محدود نکند.

زیبایی‌شناسی در باب موسیقی

سه تئوری زیبایی‌شناسی درباره موسیقی وجود دارد؛

- ❖ موسیقی به گونه زبان احساسات
- ❖ موسیقی به گونه نماد احساس
- ❖ فطرت موسیقی صدا و حرکت است.

بسیاری از نمودهای طبیعی مانند آبشار و وزش باد از میان برگ‌های درختان و نوای طبیعی موسیقی ایجاد می‌کند، پس باید قبول کنیم موسیقی واقعه‌ای است در فکرت آدمی، از آنجا که موسیقی یکی از مجموعه‌های فرهنگ و در همه جوامع وجود دارد و گهگاه با افسانه‌ها، روایت‌ها و احساسات عجین شده است.

□ تاریخ زیبایی‌شناسی و موسیقی

بیش از دو هزار سال است که دنیا به قدرت موسیقی در ترغیب کردن احساسات اذعان کرده است. به حدی که افرادی که دغدغه حفظ امنیت دولت‌های مختلف را داشته‌اند، موسیقی و هنر آن را، خطرناک شمرده‌اند. اما شرح این اتفاق که موسیقی چطور چنین تأثیری بر ما می‌گذارد مسئله دشوار و پیچیده‌ای است. در نظریه‌های قدیمی و متداول غربی هنر، هنر را پیرو و ادامه دهنده اتفاقات طبیعت می‌دانند، اما از لحاظی تمام موسیقی با این تعاریف سازگار نیست. موسیقی قدرت نشان دادن اشکال، رنگ‌ها یا وصف جهان در قالب کلمات نیست و توانایی‌اش در اصواتی است که در عالم طبیعت وجود دارد است که این خود مهم کوچکی است. اما این شکل غیر مفهومی و غیر تقلیدی از هنر که خود دسته‌ای از اصوات نظم داده شده است، به شکل معینی تجربیات زیبایی‌شناسانه‌ای فراهم می‌آورد که در اندازه و مرتبه‌های مختلف دارای ارزش هستند.

مشخصه‌های صوت از نظر موسیقی

صدا، از منظر یک موسیقی‌دان دارای مشخصه‌های خاص در حالت‌های مختلف است که عبارتند از: نواک یا زیر و بمی، دیرند یا زمان، شدت یا ضعف و قدرت و شیوش یا طنین.

□ نواک

صداهای موسیقی می‌توانند در سطوح مختلف زیر و بمی بوجود بیایند. ساده‌ترین مثال در این باب، صدای انسان است که صدای مردان، زنان و کودکان را در برمی‌گیرد که صدای مردان بم‌تر از صدای زنان است و صدای زنان زیرتر از صدای مردان و صدای کودکان به نسبت صدای مردان صدای زیرتری دارند. اگر به نسبت صدای یک سیم در یک ساز مانند سنتور بخواهیم دقت کنیم و هرچه سیم‌ها کوتاه‌تر می‌شوند نسبت به هم از صدای بم به سمت صدای زیرتر می‌روند، به طور کلی هر چه سیم بلندتر باشد صدای بم‌تر و هر چه سیم کوتاه‌تر باشد، صدای زیرتری را بوجود می‌آورد. این مثال برای تمامی سازها به طریقی صادق است.

□ دیرند

دیرند به معنای زمان است، زمانی که در موسیقی برای شکل دهی به اصوات مختلف در ملودی‌ها با رعایت قوانین هارمونی مورد استفاده قرار می‌گیرد، دیرندها ارزش‌های متفاوتی در زمان دارند به این مفهوم که بعضی کوتاه هستند و بعضی بلندتر هستند.

□ شدت

صداهایی که در موسیقی به وجود می‌آید ممکن است نسبت به حالت‌های مختلف نسبت به دیگر صداها ضعیف‌تر یا قوی‌تر باشند، که در خطوط موسیقی برای نشان دادن این حالت نشانه‌هایی که بیشتر مواقع به صورت حروف است، به کار می‌رود.

□ شیوش

تمامی صداهایی که در موسیقی وجود دارند از لحاظ رنگ و طنین می‌توانند با یکدیگر کاملاً متفاوت باشند که این مهم به علت ذات وجودی هر ساز است که ما صدای یم ساز را از ساز دیگر می‌توانیم تشخیص دهیم و این حالت برای صدای انسان هم وجود دارد که باعث منحصر به فرد شدن صدای هر شخص است. در خطوط موسیقی برای طنین و رنگ هیچ‌گونه علامتی وجود ندارد.